

# بیانیه کارگران ضد سرمایه داری



کارگران ضد سرمایه داری / دیماه ۱۴۰۰

## اول

خیلی ها از مبارزه با استثمار، فقر، کار کودکان، اعتیاد، فحشا، آلودگی های زیست محیطی، تبعیضات جنسیتی، خفقان و استبداد می گویند!! حرف ما آنست که ریشه کل این فاجعه ها در وجود سرمایه است. پیکار علیه این فجاج بدون تعرض مستقیم به هستی سرمایه داری پوچ و بی نتیجه است. سرمایه است که انسان را از کارش جدا، با کار، محصول کار، با خودش، با سایر انسانها بیگانه می کند، تمامی رشته های ارتباط انسانی افراد با هم را بمباران و با رابطه کالاها، رابطه سرمایه و کار جایگزین می کند. کارگر را از دخالت در تعیین سرنوشت کار، تولید، زندگی خود ساقط می نماید، کار و حاصل کارش را سرمایه طبقه سرمایه دار می سازد، معیشت، درمان، آموزش، حقوق اجتماعی، سیاسی، سلامت جسمی، روانی و همه چیز انسانها را قربانی سود و گسترش خود می گرداند. سرمایه فقط پول، کارخانه، زمین یا کلاً شیئی نیست، یک رابطه اجتماعی است، رابطه ای که شکل سیاست، حقوق، مدنیت، دولت، قانون، اندیشه، ایدئولوژی، فرهنگ، مذهب، اخلاق یا هر بروز و ظهور دیگر به خود می گیرد، تمامی اینها را جزء وجود خود می کند، صندوق رأی، پارلمان، قوه قضائیه، ارتش، پلیس، سازمانهای اطلاعاتی، دموکراسی، ناسیونالیسم، فاشیسم، لیبرالیسم، پان اسلامیسیم می گردد. سرمایه همه اینها را ساز و کار بقای خود می سازد.

جدال کارگران با سرمایه‌داری می‌تواند دو شکل ماهیتاً متضاد به خود گیرد و تاریخاً چنین شده است.

۱ - شکلی که سرمایه‌داری برای آن‌ها نسخه پیچی می‌کند. سرمایه ایدئولوژی‌ها، راهبردها، تحلیل‌ها، راه‌حله‌ها، نقدها، راهکارها، الگوها و افق‌های خود را که فرارسته شیوه تولید مسلط و پاسدار بقای آنند، به مثابه اندیشه، باور، دورنما، چاره‌گری، آرمان، ارزش‌های اجتماعی و مصالح زندگی کل بشر از جمله طبقه کارگر القا می‌کند!! از این طریق کل واقعیت‌ها را یکسره تحریف می‌نماید، حاصل این جعل و تحریف عظیم را شعور، اراده، دانش و الگوی زندگی انسان‌ها می‌خواند. از درون همین فرایند، راهبردهای چالش تضادهای سرشتی غیرقابل حل خود را نسخه پیچی می‌کند و این نسخه شوم را لباس استراتژی توده کارگر برای حل مشکلات و مناقشات جاری می‌پوشاند. آویختن به انتخابات، قانون، توسل به نهادهای حکومتی، سندیکاسازی، حزب‌بازی، سرنگونی طلبی فاقد بار ضد کار مزدی پشت سر اپوزیسیونها، جایگزین‌سازی رژیمی با رژیم دیگر، شکلی از برنامه‌ریزی نظم سرمایه با شکلی متفاوت، از این جمله‌اند. در این شکل، حتی هر «پیروزی» گامی به سوی انحلال فاجعه‌بار کارگر در ساختار نظم سرمایه، تمکین او به نظام سرمایه‌داری و ضربه‌ای کوبنده بر روند کارزار ضد بردگی مزدی است.

۲ - شکلی که از «هستی اجتماعی» و طبقاتی کارگران می‌جوشد، تجلی شفاف مبارزه طبقاتی آنان علیه سرمایه‌داری است، روایت شعور مستقل، اراده آگاه، نقد طبقاتی، جهتگیری رادیکال انسانی و در یک کلام هستی آگاه دگرگونی‌آفرین و انقلابی آنها است. توده کارگر تاریخاً با آن آغاز کرده است، همیشه و همه جا به میزان رشد شعور، آگاهی و توان اثرگذاری مستقل خود، به آن روی نهاده است. اتکا به قدرت جمعی شورائی و ضد سرمایه‌داری، اعمال این قدرت علیه طبقه سرمایه‌دار، دولت و نظام سرمایه‌داری در کلیه عرصه‌های زندگی اجتماعی، اجتناب از آویختن به حقوق و نهادهای قدرت سرمایه، فرار

از برپائی هر نوع تشکل سازی بالای سر، تاختن به سوی برپائی یک جنبش شورائی سراسری ضد بردگی مزدی، شالوده کار این شکل مبارزه یا این رویکرد است.. جنبش شورائی مظهر دخالتگری آزاد، نافذ، آگاه آحاد کارگران در پروسه پیکار طبقاتی بدون هیچ رهبر ماوراء خود است. جنبشی که مطالبات معیشتی، رفاهی، مبارزه برای آزادی‌های سیاسی و حقوق انسانی، کارزار ضد آلودگی‌های زیست‌محیطی و تبعیضات جنسیتی یا هر اعتراض دیگر را با جنگ علیه سرمایه‌داری همراه و همگن می‌سازد. برای این همراه‌سازی، همزمانی و همجوشی، زمینی‌ترین، ملموس‌ترین و رادیکال‌ترین راهکارها را دارد. جنبشی که از درون این کارزار شورائی سراسری، دولت سرمایه را سرنگون می‌کند، کار مزدی را لغو، وجود طبقات و دولت را محو و جامعه آزاد انسانی را مستقر می‌گرداند.

## سوم

جامعه سرمایه‌داری میدان جنگ گریزناپذیر دو طبقه کارگر و سرمایه‌دار است. طبقه سومی وجود ندارد. کارگر می‌تواند بیکار یا شاغل، مولد، غیرمولد و کارش یدی یا فکری باشد، در کارخانه، مدرسه، بیمارستان، مؤسسه، خیابان یا درون خانه کار کند، محصول کارش را سرمایه‌دار معین، دولت یا سرمایه اجتماعی به تملک درآورد. سرمایه‌دار هم فقط مالک کارخانه یا بنگاه سرمایه‌گذاری نیست. هر برنامه‌ریز نظم اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی سرمایه، هر عنصر تحمیل‌کننده این نظم بر طبقه کارگر یا ذینفع در ماندگاری سازی آن، فردی از طبقه سرمایه‌دار است.

## چهارم

سرمایه‌داری ایران غرق بحران است. توسعه‌طلبی منطقه‌ای رژیم اسلامی، فشار بحران شدیدتر و کوبنده‌تر کرده است. تحریم‌ها، ویرانسازی بحران را مضاعف ساخته است. توده

کارگر با تحمل شدیدترین فشار استثمار سرمایه و بار بحران‌های سرمایه‌داری، تحمل عوارض اقتصادی و اجتماعی توسعه‌طلبی رژیم و تحریم‌ها، بیش از هر دوره دیگر، دچار فقر و ذلت است. میلیون‌ها کارگر فاقد امکانات معیشتی، حتی آب شرب و هوای سالم تنفسی هستند. واکنش میلیون‌ها کارگر به آنچه سرمایه بر سرشان آورده است، طغیان در کران تا کران جهنم سرمایه‌داری است. کارگران همه جا در حال اعتراض، اعتصاب و عصیان هستند.

## پنجم

در چنین شرایطی اپوزیسیون‌های منقرض بورژوازی از اصلاح‌طلب تا طرفداران سلطنت، مجاهد، فرقه‌های ناسیونالیستی و احزاب چپ‌نمای شیفته قدرت، همچنان مدعی آلترناتیو بودن هستند!! جنجال می‌کنند که معضل کارگران نداشتن رهبر و نیروی بالای سر است، خود را منجی کارگران می‌خوانند. در وضع حاضر قادر به ایفای هیچ نقشی نیستند اما به هنگام شورش سراسری، عجز رژیم از چالش طغیان‌ها و غیبت جنبش شورائی طبقه کارگر، تلاش خواهند کرد زیر پرچم قطب‌های قدرت سرمایه جهانی، فاجعه‌بارترین سناریوها را برای توده کارگر رقم زنند.

## ششم

جنبش کارگری ایران در این سال‌ها گام‌های مؤثری به جلو برداشته است. همصدائی در خواست‌ها، گسترش اعتراضات و تبدیل آن‌ها به برخی خیزش‌های زودگذر منطقه‌ای، حتی سراسری، جهت‌گیری بسیار محدود و بدون قوام برای سازمان‌یابی شورائی، سخن از تصرف شورائی مراکز کار، شواهد این رشد هستند. مبارزه طبقاتی روز کارگران با همه این پیشرفت‌ها در پشت یک بن بست بسیار سنگین، سهمگین و فرساینده متوقف مانده است. کارگران خود را آحاد منفرد فروشنده نیروی کار می‌پندارند، میدان جنگ خویش را چار دیواری محیط کار و

چانه زدن با کارفرمای خود به حساب می‌آورند!! خود را یک طبقه در حال جنگ با سرمایه نمی‌دانند!! برده مزدی بودن را سرنوشت مقدر و همیشگی خود می‌انگارند، سرمایه‌داری را منزلگاه آخر تاریخ تلقی می‌کنند، خود و طبقه خود را هیچ، پوچ و مقهور یک-تازی سرمایه می‌دانند. برای ارتقاء جنبش جاری خود به یک قدرت شورائی ضد کار مزدی آمادگی نشان نمی‌دهند. این بن‌بست مسلماً شکستنی است و شکستن آن می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان گردد. ما از کل کارگران و فعالین کارگری می‌خواهیم که دست به کار برپائی جنبش متشکل، آگاه، شورائی ضد سرمایه‌داری خود شوند. جنبش شورائی ضد سرمایه‌داری توده کارگر ایران، تحقق مطالبات و انتظارات فوری زیر را، خاکریزها، تاکتیک‌ها و حلقه‌های پیوسته مبارزات خود می‌کند.

۱- محصول کار و تولید سالانه طبقه ما دهه‌ها هزار تریلیون تومان است. کل این محصول باید صرف معیشت مرفه، درمان، بهداشت، آموزش و پرورش از مهد کودک تا دانشگاه، ایاب و ذهاب، رشد و بالندگی هر چه افزون‌تر کودکان، بهترین شکل نگهداری از سالمندان، معلولان، بازنشستگان و از کارافتادگان، تفریحات سالم برای همگان همراه با بازتولید مستمر، فزاینده و رشدیابنده این امکانات شود. آب، برق، گاز، خورد و خوراک و پوشاک، مسکن، تلفن، اینترنت، دکتر، دارو، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه و دانشگاه، امکانات رفاهی جمعی، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج و حق بدیهی بدون هیچ قید و شرط کل آحاد جامعه اعم از شاغل یا جویای کار گردد.

۲- فقط جنبش شورائی سراسری ضد بردگی مزدی توده‌های کارگر است که حق برنامه‌ریزی کار و تولید، تعیین اینکه چه تولید شود و چه تولید نشود، به چه میزان تولید گردد، حاصل کار و تولید چگونه توزیع شود یا کلا سرنوشت کار و تولید را دارد. ما همزمان و به موازات پیکار برای برپائی این جنبش، برپائی قدرت سازمان‌یافته شورائی ضد کار مزدی طبقه خود، علیه کلیه وجوه تسلط طبقه سرمایه‌دار در برنامه‌ریزی کار و تولید و علیه اساس حاکمیت این طبقه بر سرنوشت کار و تولید خویش هم پیکار می‌کنیم.

۳- کلیه اطلاعات، آمارها، اسناد، گزارشات و اخبار مربوط به پروسه تولید، گردش، توزیع و سامان‌پذیری محصول اجتماعی سالانه کار و تولید، کل داده‌های مربوط به حاصل کار سالیان متمادی و نسلهای متوالی طبقه کارگر، منابع طبیعی، ذخائر زیرزمینی، مسائل زیست-محیطی، برنامه‌ریزی‌ها، سیاستگذاری‌ها، داد و ستدهای داخلی و خارجی، مناسبات دیپلوماتیک کشورها باید به صورت جامع، روتین و سیستماتیک در اختیار همه آحاد انسانها قرار گیرد. تمامی امکانات لازم برای دسترسی همه افراد به این اطلاعات باید فراهم گردد.

۴- دریافتی سالانه، امکانات معیشتی، رفاهی و اجتماعی هیچ سکنه جامعه نباید از میانگین سهم هر انسان در کل محصول سالانه کار و تولید بیشتر گردد.

۵- کار افراد زیر ۱۸ سال مصداق بارز کودک‌آزاری و ساقط ساختن انسان از رشد آزاد انسانی است، باید بدون هیچ قید و شرط لغو گردد. جنبش کارگری با افراشتن بیرق پیکار برای تضمین سهم برابر هر انسان در محصول کار اجتماعی سالانه اساس هر نوع نیاز والدین به کار کودکان را در هم می‌کوبد و منتفی می‌سازد.

۶- آموزش تا پایان دوره دبیرستان باید برای کل افراد اجباری و رایگان باشد، در هیچ سطح آموزش، از کودکستان تا آخرین دوره‌های دانشگاهی هیچ ریال هزینه تحصیل در هیچ شکلی به هیچ فردی نباید تعلق گیرد. کل مایحتاج آموزشی، از قلم، کاغذ، کتاب‌های درسی، متون تحقیقی، همه مایحتاج و امکانات پژوهشی تا هزینه‌های گردش علمی و تحقیقی، همه چیز باید به طور کامل رایگان گردد. شمار دانش‌آموزان هر کلاس حداکثر ۲۵ نفر، معلمان هر کلاس حداقل دو نفر و هر مدرسه از شمار مکفی روانشناس، مددکار اجتماعی، پزشک، پرستار برخوردار شود. روش تدریس، محتوای آموزش، فعالیت‌های تربیتی باید ضامن مطمئن و پاسخگوی مسؤل پرورش انسانها، به عنوان آحاد آگاه، دخال‌تگر، بیدار، توانا، تصمیم‌بگیر و آماده اثرگذاری همه جانبه شورائی در کلیه امور جاری و آتی جامعه باشد. هر شکل تنبیه فیزیکی و روانی افراد در هر سطح آموزش، مصداق بارز شکنجه، نقض کامل حقوق انسان، تجاوز به ملاکهای اجتماعی پاسدار حرمت، حیثیت، حق، آزادی و رشد آزاد افراد است.

۷- هر شکل نابرابری میان زن و مرد در هر عرصه زندگی شخصی و اجتماعی، از میان برود. چندهمسری محو و ازدواج افراد زیر ۱۸ سال ممنوع گردد. امحاء کامل کار خانگی برنامه‌ریزی شود، در پروسه این امحاء، هر ساعت کار افراد در خانه، از بارداری و زایمان و پرورش کودکان گرفته تا آشپزی و نظافت و نگهداری از بیماران، ساعتی از زمان اشتغال محسوب شود و میانگین سهم هر انسان از محصول اجتماعی به آن تعلق گیرد.

۸- با تضمین قطعی سهم برابر هر انسان در محصول کار اجتماعی سالانه، هر نوع تن‌فروشی و فحشا ممنوع شود.

۹- همه تبعیضات قومی و عقیدتی محو شود. تبعیض بین فارس، کرد، بلوچ، افغان، ترک، عرب، بهائی، سنی، بی‌دین جنایت علیه انسان به حساب آید و مرتکبین آن بازپروری و بازآموزی شرافتمندانه انسانی گردند.

۱۰- ممنوعیت کامل دخالت هر فرد، هر نهاد، هر نیروی اجتماعی، در حریم زندگی انسان‌ها، از جمله نوع پوشش، ازدواج و طلاق، باورها، جهت‌گیری‌های سیاسی و عقیدتی، شکل و شیوه تفریحات، روابط و تمایلات جنسی، ارتباط زن و مرد، دختر و پسر و .....

۱۱- آزادی بدون هیچ قید و شرط کل ساکنان جامعه برای مسافرت به هر نقطه جهان موجود، بدون نیاز به موافقت هیچ نهاد دولتی و اجتماعی؛

۱۲- کاهش شتابناک و مؤثر استفاده از سوخت‌های فسیلی، جایگزینی آنها با انرژی‌های بدون هیچ زیان برای طبیعت و انسان، مبارزه با هر نوع آلودگی زیست‌محیطی از طریق پیکار علیه اساس تولید برای سود و جایگزینی آن با تولید برای رشد متعالی جسمی و فکری بشر، تعطیل فعالیت‌های اقتصادی مخرب و آلاینده محیط زیست، منع هر نوع سرمایه‌شدن منابع طبیعی مانند جنگل آب، زمین، توقف جنگل‌زدایی، ممنوعیت هر نوع مصرف ترکیبات مضر شیمیایی در تهیه محصولات از جمله خورد و خوراک، پوشاک، لوازم آرایشی و بهداشتی، مسکن، وسائل

خانه، در مراحل مختلف تولید، توزیع، نگهداری، حمل و نقل؛

۱۳- ایمن‌سازی کامل محیط کار، پاکسازی تمامی مراکز کار و تولید از ماشین آلات کهنه، فرسوده و هلاکت‌آفرین، مواد شیمیائی، سموم، گازها، مواد بیماری‌زا یا خطرناک، تأمین و تضمین مطمئن سلامتی جسمی و روانی افراد شاغل در تمامی مراکز کار. هر گونه قصور، تعلل یا اخلال در روند این ایمن‌سازی، هر شکل صرفه‌جوئی در هزینه‌های آن، عین جنایت علیه حق حیات انسان تلقی شود و مرتکبین آن مورد بازخواست و بازپروری انسانی قرار گیرند.

۱۴- برنامه‌ریزی داوطلبانه شدن کامل کار، در همین راستا کاهش ساعات کار روزانه به زیر ۵ ساعت، تعطیلی اجباری دو روز در هفته، ۲ ماه در سال، ممنوعیت هر نوع اضافه‌کاری، معافیت کامل کلیه معلولان از کار؛ محاسبه هر ساعت کار سخت و پرمشقت به عنوان ۲ ساعت کار روزانه، تقلیل سن بازنشستگی به حداکثر ۵۵ سال؛

۱۵- اعتیاد یک فاجعه عظیم انسانی آوار بر سر کل سکنه جهنم سرمایه‌داری است. جنبش کارگری باید با تمامی قوا برای خلاصی انسانها از شر اعتیاد پیکار کند. تولید مواد اعتیادآور را به مصارف ضروری داروئی، پزشکی، نیازهای طبیعی و بدون هیچ ضرر برای سلامتی جسمی و فکری افراد محدود نماید و این محدودیت را بر سرمایه تحمیل کند.

۱۶- تمامی معتادان بدون هیچ هزینه و به طور کاملاً رایگان مورد درمان و بازپروری جسمی، روانی قرار گیرند. افراد خانواده این معتادان در تمامی ایام درمان و بازپروری باید از همه امکانات معیشتی، اجتماعی، رفاهی، درمانی و سایر مایحتاج زندگی برخوردار باشند.

۱۷- آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه افرادی که به دلیل سرقت و خلاف، ناشی از گرسنگی و فقر، فعالیت‌های سیاسی، مدنی، فرهنگی، عقیدتی در زندان‌ها به سر می‌برند.

۱۸- هر نوع آزار جسمی، روانی اشخاص، قصاص، تعزیر، شلاق، نگهداری افراد در سلولهای



انفرادی و مانند اینها عین شکنجه و جنایت آشکار علیه انسان به حساب آید، مرتکبین مورد بازآموزی و بازپروری انسانی، اخلاقی، عاطفی و اجتماعی قرار گیرند.

۱۹- ممنوعیت کامل مجازات اعدام؛

۲۰- آزادی بدون هیچ قید و شرط مطبوعات، شبکه‌های اجتماعی، اعتصاب، تظاهرات و راه‌پیمایی، آزادی تشکیل شورا، حزب، سندیکا و هرگونه تشکل، آزادی تبلیغ هر مرام، مسلک و مذهب، آزادی کامل مبارزه برای محو سرمایه‌داری و کارمزدی؛

۲۱- اختصاص هر نوع امکانات اجتماعی یا تخصیص هر ریال از حاصل کار و تولید انسانها توسط دولت بورژوازی به مساجد، حوزه‌های علمیه، حسینیه‌ها، هر مرکز فعالیت دینی، ایدئولوژیک، هر نهاد نظامی، پلیسی، امنیتی، هر مؤسسه تولید یا تجارت سلاح باید قطع شود. آموزش دینی مصداق شستشوی مغزی، از خودبیگانه سازی، ترویج خرافه و مهندسی شعور بشر اعلام گردد و موضوع چالش آگاهگرانه، آزاد و انسانی قرار گیرد.

۲۲- مبارزه برای انحلال ارتش، سپاه پاسداران، بسیج، پلیس، تمامی نیروهای سرکوب فیزیکی و فکری، پارلمان، دولت و کل ساختار قدرت سرمایه جزء جدائی ناپذیر پروسه پیکار طبقاتی جاری و روزمره علیه موجودیت سرمایه‌داری است. ما مجرد سرنگونی طلبی فاقد بار ضد کارمزدی را حفاری گمراهه در پیش روی جنبش کارگری می‌دانیم و برای جایگزینی آن با سرنگونی طلبی رادیکال ضد سرمایه‌داری می‌کوشیم.